کد خبر: ۳۹۶۸۸۶
پنج شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۱ ۱۰:۱۰

افشاگری شبکه ماهواره ای درباره ماجرای توهین به پرویز پرستویی

علیرضا امیرقاسمی مجری شبکه طپش درباره ماهیت فرد توهین‌کننده دست به افشاگری زد.

به گزارش سایت خبری پرسون، ماجرا از آنجایی شروع می‌شود که پرویز پرستویی بازیگر شناخته شده سینما برای نمایش فیلم «داستان‌های هزار و یک روز»، ساخته حبیب احمدزاده، به دعوت یک نهاد آمریکایی به آن کشور رفته بود، ویدئوی بسیار عجیبی از او منتشر شد؛ صحنه‌ای از عصبانیت هنرمندی که تا به حال کمتر کسی او را در این حال دیده است.

آنچه پرویز پرستویی را خشمگین کرده بود، چند نفر انگشت‌شمار بودند که در آمریکا، جلوی سینمای محل نمایش فیلم «داستان‌های هزار و یک روز»، راه را بر تماشاگران می‌بستند و با توهین و تهمت به کسانی که قصد ورود به سالن را داشتند، آنها را خائن می‌نامیدند و فضا را متشنج می‌کردند؛ اتفاقی که بارها تکرار شد و در نهایت کاسه صبر بازیگر باسابقه کشورمان را، لبریز و او را وادار به واکنشی غیورانه کرد.

* صحبت‌های افشاگرانه مجری شبکه طپش

این بار علیرضا امیرقاسمی تهیه‌کننده و مجری شبکه ماهواره‌ای طپش و تهیه‌کننده کنسرت‌های خوانندگان ایرانی در لس‌آنجلس که بیش از چند دهه در آمریکا زندگی و فعالیت دارد پرده از واقعیت‌هایی برداشته که قابل تأمل است. او در برنامه‌ای به فیلم «داستان‌های هزار و یک روز» و حواشیِ حضور پرویز پرستویی پرداخت. او گفت: من خودم یکی از طرفداران پرویز پرستویی‌ام؛ هم به عنوان یک بازیگر و هم یک انسان. به او علاقه‌مندم. انسانی که برای او هیچ‌کسی فرق نکرده. دنبال او را گرفتم. فیلمبردارهای مختلفی آمده بودند از جمله چهره‌ای از صدای آمریکا را آنجا دیدم حضور داشتند.

امیرقاسمی گفت: افراد مختلف رسانه‌ای را دیدم اما من به خاطر علاقه‌ام به پرویز پرستویی رفتم و خیلی کنجکاو بودم این فیلم را ببینم. پشتِ آن کدپینک است؛ سازمانی که در آمریکا برای صلح جهانی قدرت بسیار زیادی دارد و کارکردِ آن «نه به جنگ» است. این فیلم را حبیب احمدزاده‌ای ساخته که در طول جنگ ایران و عراق در خط مقدم حضور داشته و این فیلم روایتی از دردهای خودش است. باید به او تبریک گفت که به زبانِ انگلیسی، مردم جهان را آگاه می‌کند، جنگ نکنید. در روزگاری که قضیه‌ی جنگ اوکراین و روسیه وجود دارد و این‌گونه فیلم‌ها برای روشن‌کردن اذهان عمومی بسیار مهم است.

این مجری شبکه ماهواره‌ای با اشاره به حواشیِ روز نمایش و بررسی فیلم «داستان‌های هزار و یک روز»، تأکید کرد: من آن روز خودم در سینما بودم. عده‌ای کمتر از انگشتان کفِ دست، ۷ یا ۸ نفر به مردم توهین می‌کردند. برای خانم‌ها لغتِ (فاحشه) را به کار می‌بردند و به مردها، حرام‌زاده می‌گفتند. فردی به نام سام رجبی بود که نامِ اصلی او تا آنجایی که من می‌دانم «احسان رجبی» است. نمی‌دانم چرا از نامِ سام رجبی استفاده کرده اما نامش احسان رجبی است و سال‌ها زیر پرچم جمهوری اسلامی در تیم ملی جودوی ایران فعالیت داشته است. ایشان حتی به من می‌گویند مرتیکه قاسمی‌نژاد و شهبال شب‌پره و خیلی‌های دیگر توهین می‌کنند.

وی افزود: پرویز پرستویی همان شخصی است که در رابطه با جواز خواندن جواد یساری تلاش زیادی کرد. پرویز پرستویی همان آدمی است که در مناطق محروم کشور ما که دوستانِ من، می‌شناسم این جرأت و این دل را نداریم که بلند شویم به سیستان و بلوچستان برویم. یکی از دوستان عزیزم را دیدم که مطلبی نوشته بود؛ او جزو همان بخش سیستان و بلوچستان هست و خیلی به آن علاقه‌مندم. از همان دوستم حتی روبرو شوم این سؤال را می‌پرسم تویی که جزئی از سیستان و بلوچستان هستی و چند بار در زندگی‌ات به این مناطق رفتی که گاندوها در انتظار بچه‌هایی‌اند از یک رودخانه کثیف آب بردارند.

امیرقاسمی خاطرنشان کرد: من دفاعِ پرویز پرستویی نمی‌کنم، دفاعِ انسانی می‌کنم. با سردار قاسم سلیمانی عکس گرفته، در توضیحش می‌گوید این فیلم «بادیگارد» را بازی کردم ته چهره‌ای است از سردار سلیمانی و به خاطر این فیلم را نمایش دادند. باید ببینیم قاسم سلیمانی از دیدِ چه کسی بوده و چه کسی بد! ما در آمریکا زندگی می‌کنیم، نگاهِ آمریکایی‌ها نسبت به قاسم سلیمانی یک نگاه دیگر است. آیا نگاه ۸۰ میلیون ایرانی نسبت به قاسم سلیمانی بر علیه اوست. من نمی‌دانم؛ یکسری در ایران‌اند می‌گویند اگر قاسم سلیمانی نبود داعش راحت وارد ایران می‌شد.ما طور دیگری نگاه می‌کنیم.

این مجری معروف ماهواره‌ای در ادامه تصریح کرد: زمانی تیشرتی که خیلی‌ها از جمله خودم به آن علاقه‌مند بودیم که بپوشیم، چگوارا بود. آن‌قدر به او علاقه داشتم و در ۱۳ سالگی کتاب‌های مختلف او را خواندم. چگوارا چه کسی بوده و غربی‌ها او را مزدور می‌شناسند و کوبایی‌ها او را به مزدور می‌شناختند. کمونیست‌ها او را قهرمان می‌دانستند. عده‌ای او را جنایتکار و مزدور می‌دانستند و عده‌ای به‌گونه‌ای دیگر.

وی درباره پشتِ پرده و رفتارهای رجبی گفت: بخشی دیدم رجبی راه افتاده و به کسانی که رأی دادند در انتخابات جمهوری اسلامی، توهین می‌کند. ما اجازه چنین کاری نداریم. من ۴۴ سال است اینجا زندگی می‌کنم و به قانونِ اینجا آگاهم. دیدم آقای رجبی عنوان کردند پرویز پرستویی از ترسش که گرفتارِ قانون نشود، آمریکا را ترک کرده است. برنامه پرواز او از روز اول این‌طور بوده و برای این مدت و تماشا و تحلیل فیلم آمده بود. کدام ترس! به خاطر اینکه پلیس او را دستگیر نکند؛ کدام دستگیری؟! تنها اشتباهی که پرویز پرستویی کرده دوربینِ تلفن این فرد را زمین زد؛ کار اشتباهی بوده و شاید

هم تنها دلیلش این باشد که هر انسانی نقطه‌ی جوشی دارد و برای هرکسی امکان دارد این شرایط اتفاق بیفتد.

امیرقاسمی توضیح داد: آقای رجبی سال ۱۳۸۸، برنز برنده شده و سال ۱۳۸۹ کمیته جودوی جهانی او را به خاطر دوپینگ از بازی محروم کرد. بعد از آن، او به آمریکا آمده و من می‌خواهم بدانم قبل از دوپینگ ایشان باید خدمت آقا می‌رفته و یا بعد از دوپینگ؟ هنوز متوجه نیستم دوستانی که اینجا هستند کار دیگرشان چیست. ما خودمان در این کشور کار می‌کنیم. برگردیم عقب، این دوستان همان دوستانی نیستند که عکس آقای خامنه‌ای و کشتگان را درست کردند و از اشخاصِ مختلفی، پول گرفتند که من آنها را می‌شناسم به این‌ها پول دادند و برای ساختنِ این بنرها و پوسترها کمک مالی کردند.

وی افزود: یک مقداری با هم واقع‌بینانه باشیم. نمی‌توانم باور کنم که پرویز پرستویی با گروه و دسته‌ای در ارتباط باشد. این انسان به مناطق محروم می‌رود و حرکتِ مردمی دارد؛ باید حمایتش کرد. وای به حال این اشخاصی که من می‌بینم و توهین‌هایی که کردند. این‌ها بروند که آنها جایگزین جمهوری اسلامی بشوند و اسم برانداز روی آن‌هاست! اصلاً معلوم نیست از کجا آمده‌اند و هیچ‌چیز این‌ها معلوم نیست؛ از کجا خوراک می‌رسد و زندگی‌شان می‌گذرد. برای من سؤال برانگیز است؛ خودمان ۴۴ سال در این کشور زندگی می‌کنیم، روزی ۱۶، ۱۷ ساعت کار نکنیم زندگی‌مان لَنگ است.

این مجری شبکه ماهواره‌ای، در پایان خطاب به مردم گفت: یک مقداری چشمانتان را بازتر کنید؛ مطمئنم طبقه فهمیده کشور ما خیلی فراتر از این‌ها فکر می‌کند. یک لحظه هم شده خودتان را جایِ این لمپن‌ها و مزدورها و هوچی‌ها و لجّارها نگذارید که این اشخاص، اشخاصِ معمولی نبودند و نیستند.

توضیحات پرویز پرستویی درباره واقعه

یکی دو روز پس از این درگیری‌ها، پرویز پرستویی در یک پیام تصویری، توضیح داد: «شما سوالی از ما می‌کنید، جوابی از ما می‌خواهید که آن نیازمند توضیح بسیار است، من نمی‌توانم آن سؤال را تستی جواب دهم و شاید هم اصلا لازم نیست که من جواب این سوال شما را بدهم. من با هدف دیگری آمده‌ام. من با هدف صلح آمده‌ام، من با هدفی آمده‌ام که در کنار هم بنشینیم و فیلمی را ببینیم که پیامش، پیام صلح است و می‌خواهد به تمام مردم نشان دهد که صلح چیز خوبی است و جنگ ویرانگر است و خب با این صحنه مواجه می‌شویم و حتی پلیس حضور پیدا می‌کند، پلیس حرف‌های بنده را می‌شنود، حرف‌های ایشان را هم می‌شنود و در واقع آن‌ها را محکوم می‌کند که شما حق ندارید ورود بکنید به این شکل، از یک شهر دیگر دوباره بدو بدو، تعقیب کنید و آرامش این‌ها را بگیرید و نگذارید مردم به سینما بروند. خب شما می‌توانید نیایید. بعد چرا فحاشی؟ چرا هتاکی؟ چرا حرف‌هایی که شایسته یک آدم نیست؟ شمایی که می‌گویی در مهد آزادی و در مملکتی که آزادی بیان هست زندگی می‌کنی آیا آزادی بیان فقط این است که شروع کنی آن‌چه را فحاشی و توهین به ناموس مردم است بر زبان بیاوری؟!»

* حمله به گوهر خیراندیش

این تنها پرویز پرستویی نبود که در آمریکا مورد حمله قرار گرفت. گوهر خیراندیش هم که این روزها در آن کشور به سر می‌برد، از تعرض در امان نماند و بارها مجبور شد از معترضان بخواهد سخن خود را به دور از جنجال و بلوا، مطرح کنند.

اما عجیب‌تر از آن، حمله معترضان به اسفندیار منفردزاده و شهبال شب‌پره، آهنگسازان و نوازندگانی بود که سالهاست از ایران مهاجرت کرده و در آمریکا کار و زندگی می‌کنند. این دو هم مانند ده‌ها ایرانی دیگر ساکن آمریکا که حتی برخی از آن‌ها منتقد و گاه مخالف جمهوری اسلامی‌اند، برای به تماشای نشستن فیلم «داستان‌های هزار و یک روز»، فحش شنیدند.

* واکنش‌های بازیگران/ رضا کیانیان

پس از این اتفاقات، رضا کیانیان، یکی از هنرمندانی که همیشه نسبت به مسائل روز واکنش نشان می‌دهد، در اینستاگرام خود از پرستویی دفاع کرد و خطاب به کسی که معترض اصلی اتفاقات آمریکا بود، نوشت:

«سلام آقای سام رجبی.

من صفحه شما را دیدم و نوشته‌هاتان را خواندم. می‌خواهم به جمله‌ای از خودتان اشاره کنم و بعد ادامه دهم.
«دلیل این همه دروغ و فساد نبود دموکراسی و آزادیست»
تا آن‌جا که من می‌دانم یکی از پایه‌های دموکراسی «آزادی بیان» و «آزادی عقیده» است. بشمارید چند دین و مذهب در آمریکا در کنار هم وجود دارند! چند نوع پناهنده سیاسی و اجتماعی از همه جای دنیا آن جا زندگی می‌کنند؟ همان‌جا وقتی از کسی پرسشی می‌کنید و طرف نمی‌خواهد پاسخ دهد، حق ندارید پرسش‌تان را تکرار کنید. حتی پلیس هم حق ندارد پرسش را تکرار کند. تا زمانی که وکیل طرف بیاید.
اگر به دموکراسی معتقدید اجازه دهید هر کس عقیده خودش را داشته باشد. بازجویی نکنید و اگر از کسی پرسشی دارید و طرف نمی‌خواهد جواب دهد، اصرار نکنید. به همین سادگی و به همین دردآوری.

دموکراسی خیلی سخت است. تحمل مخالف، بسیار مشکل است. من ویدئوی دوم را گذاشتم که یادآوری شود گاهی به عقاید دیگران احترام نگذاشتید. ویدئوی شما و آقای پرستویی هم همین‌طور است. به عقاید ایشان احترام نمی‌گذارید و بارها پرسش‌تان را تکرار می‌کنید.»

اما رضا کیانیان تنها نبود و احسان کرمی هم که این روزها با نمایش «پازل» در حال مسافرت به شهرهای مختلف آمریکاست، پستی را برای حمایت از پرستویی در اینستاگرامش منتشر کرد و نوشت:

«چند روز از اکران فیلم مستند داستانی «هزار و یک روز» در شهرهای لس‌آنجلس و اورنج‌کانتی می‌گذرد.
صبر کردم تا کمی از اتفاقات حاشیه‌ای اکران فیلم در اورنج‌کانتی فاصله بگیریم تا به دور از هیاهو آن‌چه را که آن‌جا به چشم دیدم بنویسم.
ماجرا از این قرار بود که هنگام ورود مردم به سینما شش نفر با فریادهای خشمگینانه و توهین‌های مکرر بدون این که حاضر باشند به حرف کسی گوش کنند تلاش می‌کردند مانع از حضور تماشاچیان در سالن شوند. (هنگام ورود من آن‌ها سرگرم فریاد زدن بر سر زوج جوانی بودند و من بدون مزاحمت وارد سینما شدم) در سالن سینما هم حدود دویست هم‌وطن حضور داشتند که بارها و بارها آقای پرستویی را تشویق کردند و درپایان فیلم سوالاتی درباره فیلم و سینمای ایران کردند و با ایشان عکس یادگاری گرفتند. من در هنگام درگیری کوتاه آقای پرستویی و آن آقای معترض در سینما نبودم و ویدئوی آن را دیدم.»

* فیلم «داستان‌های هزار و یک روز» درباره چیست؟

موضوع فیلم «داستان‌های هزار و یک روز»، که به بهانه نمایش آن، چند معترض به صدها ایرانی در آمریکا حمله و توهین کردند، چیست؟

در این اثر سینمایی داستانی که اولین‌بار در سی‌وهشتمین جشنواره جهانی فیلم فجر به نمایش درآمد، بناسان، غول چراغ جادو است که برای جلوگیری از اخراج همیشگی از منظومه خورشیدی، مجبور می‌شود شرط فرشته‌ای را بپذیرد تا با همکاری چهار انسان معمولی، یک آهنگ زیبا برای ایجاد معجزه‌ای بشری و واقعی خلق کند. ولی در این راه با ماجراهایی از زندگی آنان درگیر می‌شود و قصه‌های‌شان را روایت می‌کند.

این فیلم در چهار کشور ایران، ژاپن، اتریش و عراق فیلمبرداری شده است و بازیگرانی، چون پرویز پرستویی، شیسوکو تسویا، گرهارد فرایلینگر، نوریوکی آساکورا و محمود بنکدارنیا در آن ایفای نقش می‌کنند. این اثر، محصول مشترک ایران و ژاپن است.

احمدزاده در نشست خبری این فیلم در جشنواره جهانی فجر (خرداد ۱۴۰۰)، در توضیحاتی گفته بود: «گاهی اوقات آدم احساس می‌کند که باید به هر ترتیبی که می‌تواند، مثل نوشتن داستان، کشیدن نقاشی یا ساخت یک فیلم، از دیگران تشکر کند. این فیلم هم در حقیقت برای تشکر کردن از شیسوکو تسویا، زنی ژاپنی است که سال‌ها به بهبود جانبازان شیمیایی ایران در آن کشور کمک می‌کرد.»

این نشان‌دهنده آن است که اعتراض آن جمع اندک در آمریکا، بیشتر یک بهانه‌جویی بوده است تا این که بخواهند با نمایش فیلم «داستان‌های هزار و یک روز» مخالفت کنند؛ مگر این‌که مخالف صلح و دوستی جهانی و به‌ویژه نزدیکی ایرانی‌های داخل و خارج از کشور باشند.

منبع: تسنیم